

اندیشہ سیاسی
در
اسلام معاصر

نوشتہ حمید عنایت

ترجمہ بہاء الدین خرمشاہی

فهرست

۷	پیشگفتار مترجم
۱۱	پیشگفتار
۱۴	یاد و سپاس
۱۶	مقدمه: ارتباط گذشته با حال
۴۱	۱- تشیع و تسنن: تعارض و توافق روحیه تشیع (۴۱)، جدل‌پردازی (۶۲).
۹۹	۲- بحران خلافت
۱۲۸	۳- اندیشه حکومت اسلامی محمد رشید رضا (۱۲۸). اصلگرائی (۱۵۱).
۱۹۷	۴- ناسیونالیسم، دموکراسی و سوسیالیسم ناسیونالیسم (۱۹۸). دموکراسی (۲۲۰). سوسیالیسم (۲۴۲)
۲۷۵	۵- نظری به تجددخواهی شیعه زمینه (۲۷۵). مشروطیت (۲۸۱) تقیه (۲۹۹). شهادت (۳۰۸).
۳۳۳	فهرست راهنما

چاپ کتاب حاضر (اندیشه سیاسی
در اسلام معاصر) توسط شرکت سهامی
انتشارات خوارزمی و نیز ترجمه آقای
بهاء‌الدین خرمشاهی با اطلاع و موافقت
ما دو تن انجام گرفته و پیشنهادهایی
که پس از خواندن متن ترجمه داشته‌ایم
در آن ملحوظ شده است.

زهرا (آنا) عنایت - محمود عنایت

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار مترجم

کتابی که در دست دارید ترجمه آخرین کتاب دکتر حمید عنایت، محقق عالیمقدار و استاد فقید دانشگاه تهران است که در تابستان ۱۳۶۱، اندکی پیش از درگذشت مؤلف انتشار یافت.^۱ دلیل ساده، و شاید تنها دلیل به انگلیسی نوشتن کتاب این باشد که امروزه تحقیقات اسلامشناسی بسیاری، چه در جهان اسلام چه در خارج از آن، به زبانهای اروپائی، و بیشتر به انگلیسی نوشته می‌شود، لذا نگاشتن آن به این زبان با در نظر گرفتن این واقعیت، و دایره وسیعتر مخاطبان آن بوده است. چه بسا اگر عمر پر بار و برکت مؤلف ادامه می‌یافت، تحریر یا ترجمه فارسی این اثر به قلم خود ایشان یا زیر نظرشان، هرچه زودتر - و شاید از صورت فعلی بهتر - به دست خوانندگان هموطن و همزبان ایشان می‌رسید.

باری به صلاحدید سروران: دکتر محمود عنایت، کریم امامی، داریوش آشوری و علیرضا حیدری - مدیر محترم انتشارات خوارزمی - این بنده با کمال اشتیاق و افتخار ترجمه این کتاب را آغاز کرد و به توفیق الهی پایان برد و برای بازنگری و ویرایش به انتشارات خوارزمی سپرد. خوشبختانه همان عزیزان که ذکر خیرشان گذشت، هر یک به سهم خویش، به پیرایش این ترجمه همت گماشتند و مترجم را رهین منت خود ساختند، سعیشان مشکور باد.

۱. مشخصات متن اصلی بدین قرار است:

Hamid Enayat, *Modern Islamic Political Thought* (London, Macmillan Press, 1982).

مترجم این وظیفه را احساس می‌کند که در این پیشگفتار کوتاه، روش کار خود را به کوتاهی برای خوانندگان گزارش کند:

(۱) پیش از پرداختن به نکات مربوط به روش، اشاره به این مسأله لازم است که نثر انگلیسی متن اصلی کتاب، به تصدیق بعضی از دوستان صاحب نظر دشوارست، یا به تعبیر صریحتر پیچها و پیچیدگی‌های دارد، یکی در انتخاب مفردات و مترادفهای مغلط و دیگر در طول بیش از حد بعضی از جملات، و چند جمله را به یکدیگر پیوستن.

ولی از آنجا که عوالم و مفاهیمی که از آنها سخن می‌رفت، پیچیده و دور از ذهن نبود، مترجم کوشید تا تعابیر و عبارات فارسی حتی المقدور پیچیده و دور از ذهن نشود. و این البته از مقوله سبک ادبی نگارش نبود که حفظش لازم یا حتی ممکن باشد. امیدوار است در این برداشت و اتخاذ این روش به خطا نرفته و حاصل کار پذیرفتنی از آب درآمده باشد. اگر مترجم چنین اجازه‌ای بخود نمی‌داد، نثر ترجمه ناروان و دیر یاب می‌شد.

(۲) در انتخاب سبک نثر ترجمه، مترجم چندان تلاش و تکلفی بخرج نداد، چه به قدر کافی با نثر پاکیزه و پیراسته عنایت آشنا بود؛ و برای تجدید عهد این آشنائی، یک بار دیگر آثار تألیفی ایشان را مرور و مطالعه کرد، و این کار برای معادل‌یابی اصطلاحات اساسی نیز لازم بود. بدین شرح:

(۳) برای یافتن معادل فارسی اصطلاحات کلیدی مهم، طبعاً هیچ منبعی مشکل‌گشا تر و فایده‌بخشتر از آثار خود عنایت و جست‌وجوی معادلها و گاه حدس زدن آنها نبود. لذا مترجم به این قصد و با دیدی جدید بازخوانی آثار او بویژه دین و جامعه، اسلام و سوسیالیسم (د مصر)، جهانی از خود بیگانه، و سیری در اندیشه سیاسی عرب را آغاز کرد و در ضمن این کار فهرستی از معادل‌هایی که حدس زده می‌شد به کار این ترجمه می‌آید فراهم شد. و فی الواقع بکار آمد.

فی‌المثل اگر مترجم idealism of Shiism را به پندارگرایی تشیع ترجمه کرده بود، هم یک واقعیت تاریخی را مسخ و هم غرض نویسنده را نقض کرده بود. مراد مؤلف از ایده‌آلیسم شیعه، آرمانخواهی و کمال‌جوئی

تشیع است. و این لفظ آرمانخواهی در آثار فارسی مرحوم عنایت فراوان بکار رفته است. اندیشه سیاسی (در برابر political thought)، فرنگی‌مآبی یا غربی‌مآبی (در برابر Westernization)، تجددخواهی (در برابر reformism)، اصلاح طلبی (در برابر modernism)، اصلاح طلبی (در برابر reformism) و دهها اصطلاح پر تکرار نظیر اینها از خود مؤلف است که در اغلب موارد در پانویس به این امر اشاره شده است. يك مثال برجسته دیگر در این مورد اصطلاح fundamentalism بود که دو اطلاق مثبت و منفی دارد. مثبت آن اصولی بودن و ارتدوکس بودن و تمسک به اصل است و کاربرد منفی آن قشریگری و تمسک به ظواهر. خوشبختانه دیده شد که خود دکتر عنایت در برابر آن «اصلگرایی» بکار برده است. در موارد نادری از این قاعده عدول شد و آن وقتی بود که مترجم برابر نهاده ایشان را چندان رسا نیافت. از جمله شادروان عنایت به اقتضای خود عربها، قومیت را در برابر ناسیونالیسم، و حتی قومی یا قومی مسلک را در برابر ناسیونالیست، و نیز اشتراکیت را، باز به اقتباس از خود عربها در برابر سوسیالیسم بکار می‌برد. مترجم ناسیونالیسم و سوسیالیسم را به دلیل وضوح معنا و نیز تداولی که در عرف امروز ایران یافته است، ترجیح داد.

(۴) در مواردی که مؤلف به يك کتاب عربی، اعم از قدیم یا جدید، استناد کرده بود، کوشش شد که اصل عربی آن به دست آید و ترجمه فارسی با توجه به اصل عربی صورت گیرد. چنانکه فی‌المثل ترجمه عبارات منقول از مسائل اخوان الصفا یا مجمع‌البیان یا المیزان با توجه به متن اصلی عربی و ترجمه انگلیسی آنها صورت گرفت.

(۵) در مواردی که به ترجمه انگلیسی يك کتاب عربی استناد شده بود، فی‌المثل ترجمه انگلیسی مقدمه ابن خلدون، و این کتاب به فارسی هم ترجمه شده بود، از ترجمه فارسی آن استفاده یا به آن استناد شد.

(۶) در مواردی که به کتابی اروپائی استناد شده بود، و آن کتاب به فارسی ترجمه شده بود، به ترجمه فارسی داشتن آن اثر، بلافاصله پس از کتابشناسی اروپائیش، اشاره شد.

(۷) مواردی هم بود که ترجمه يك قول در سایر آثار مؤلف، بویژه سیری در اندیشه سیاسی عرب یافت شد که مترجم شاکرانه و شادمانه آن

را برگرفت و عیناً در محل خود درج کرد.

۸) آنجا که استناد به آیات قرآنی شده بود، عین آیه ذکر شد و ترجمه فارسی آن به دنبالش در پرانتز نقل گردید. ترجمه فارسی آیات تلفیقی است - گاه توأم با تصرف و اصلاح - از دو ترجمه: ۱) ترجمه شادروان مهدی الهی قمش‌های ۲) ترجمه آقای ابوالقاسم پاینده.

۹) آنجا که حدیثی نقل شده بود، مترجم در صدد یافتن اصل حدیث برآمد. و ابتدا نص عربی آن را آورد، سپس ترجمه فارسیش را. از میان همه این موارد، احتمالاً فقط نص یک حدیث، با جست و جو در فهارس و مجامیع حدیث بدست نیامد، که در پانویس به آن اشاره شده است.

۱۰) در تبدیل حروف transliteration اسامی بعضی مؤلفان یا کتابها، اشتباهاتی در متن اصلی پیش آمده بود که با مراجعه به فهارس و کتابشناسیها حتی المقدور اصلاح شد.

۱۱) گاه بعضی پانویسهای خیلی لازم، با علامت ستاره در متن و «م» (مترجم) در پای صفحات از سوی مترجم افزوده شده است.

بهاءالدین خرمشاهی

پیشگفتار

این کتاب اندیشه‌های سیاسی مسلمانان را در قرن حاضر، بویژه اندیشه‌هایی را که مصریان و ایرانیان - نیز بعضی از نویسندگان و متفکران پاکستان، هند، لبنان، سوریه و عراق - بیان داشته‌اند، توصیف و تعبیر و تفسیر می‌کند. این کتاب عمدتاً به اندیشه‌ها می‌پردازد: از تاریخ و جامعه‌شناسی فقط در مواردی کمک گرفته شده است که به روشن کردن زمینه اندیشه‌ها مدد برسانند. آنچه به تأکید بیشتر نیازمند است این نکته است که این کتاب آنقدرها که به اندیشه‌های اسلامی می‌پردازد، به اندیشه‌هایی که مسلمانان طبق برداشت خود عرضه داشته‌اند نمی‌پردازد. منظور آن است که به اندیشه‌های اسلامی می‌پردازد که در جامعه اصطلاحات و مقولات رسمی فقه و کلام و سایر معارف اسلامی بیان شده، هرچند ممکن است بسیاری از آنها غیرسنتی و غریب و نامعهود بنماید. این شیوه، طبیعتاً بسیاری از روشنفکران و اندیشه‌وران مسلمان را، که از دیدگاه‌های دیگر سزاوار تحقیق و مطالعه جدی هستند، کنار می‌گذارد، ولی اتخاذ این شیوه، ناشی از این اعتقاد است که در هر کوششی که برای فهم، تا چه رسد به انتقاد سهم مسلمانان در مباحث سیاسی زمانه ما انجام می‌گیرد؛ رویه‌ای که متفکری به یک اندیشه رسیده است همانقدر باید مورد اعتنا قرار گیرد که خود آن اندیشه. کافی نیست که پیش از غوررسی در اینکه تعیین کنیم تا چه میزانی مقدمات عقیدتی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی یک نویسنده حاکی از تداوم اندیشه اسلامی است، افکار و اندیشه‌های بکر و بدیع او را بستائیم. در غیر این صورت، انسان در معرض این است که بر اثر شیفتگی نسبت به نوآوری و نوگوئی، از تمیز

نهادن بین آنچه پیوند استوار با فرهنگ اسلامی دارد، و آنچه نسبت به آن بیگانه و بیرونی است باز ماند. به مسأله انگیزه‌های نهانی یا بیرونی که صاحبان این اندیشه‌ها داشته‌اند، نپرداخته‌ایم، و این نه فقط از آن روی بوده که بررسی آنها تاریخ اندیشه‌ها را به تاریخ وقایع و ماجرا تبدیل می‌کرده، بلکه به این دلیل هم بوده که اندیشه‌ها هم گوئی زندگی خاصی از آن خود دارند: مردم، خاصه کسانی که متعلق به نسل‌های بعد از نسل صاحبان اندیشه‌ها هستند، غالباً اندیشه را بی‌آنکه توجه خاصی به طرح‌های حسابگرانه صاحبان آنها داشته باشند اخذ می‌کنند، مگر اینکه بدگمانی و کنجکاو‌ی نیرومندی داشته باشند.

این کتاب با مقدمه‌ای آغاز می‌گردد که در آن شیوه‌ای که میراث سنتی بر سیر تکوینی اندیشه‌های جدید اثر گذاشته، یا باعث شده که این اندیشه‌ها برای مخاطبان مذهبی معقول و مطلوب بنظر برسد، تشریح شده است. به دنبال آن تفاوت‌های سیاسی بین دو مذهب یا فرقه عمده اسلام، یعنی تشیع و تسنن، بویژه روند دوگانه تعارض و توافق بین آنها بررسی شده است. قصد اصلی این است که نشان بدهیم رابطه بین این دو در عصر جدید رفته رفته تحول یافته، و لاقلاً در قلمرو آموزه‌های سیاسی، از صورت برخورد حاد به صورت مواجهه بارور بین فرقه‌ای درآمده است. این رهبرد در چند مورد دیگر کتاب نیز معمول شده و نمونه‌های بیشتری از به هم نزدیک شدن، پیدا یا پنهان دو فرقه، ارائه گردیده است. فصل‌های باقیمانده به دو مضمون اساسی و متفرعات آنها اختصاص داده شده است: اندیشه حکومت اسلامی از همان اوانی که پس از الغاء خلافت در ترکیه در سال‌های دهه ۱۹۲۰ احیا شد تا آخرین سال‌های دهه ۱۹۷۰، و واکنش مسلمانان به معارضه ایدئولوژیهای بیگانه جدید یعنی ناسیونالیسم، دموکراسی و سوسیالیسم.

بدون شناختن يك سلسله بازاندیشیهای عقیدتی و تعبیر و تفسیرهای مجدد که امروزه به تجدد خواهی اسلامی معروف است، اندیشه سیاسی اسلامی معاصر را نمی‌توان بدرستی دریافت و ارزیابی کرد. از آنجا که تعداد معتنا بهی کتاب به زبانهای مختلف اروپائی درباره این نهضت امیدوار کننده، منتشر شده بحث از آن (تجدد خواه اسلامی)

مربوط به آن) را به حداقل برگذار کرده‌ایم، به استثنای تجدید خواهی شیعه، که تا این اواخر نادیده گرفته شده بود، و در فصل نهمی کتاب حاضر با اندکی تفصیل مطرح کرده‌ایم. و در عوض توجه بیشتر به مؤلفانی که کمتر شناخته شده‌اند ولی بالقوه یا بالفعل مهمند معطوف داشته‌ایم. میزان آثار سیاسی اعم از کتاب و رساله و جزوه در محدوده دقیقاً اسلامی، حتی در همین چند کشوری که نام بردیم، همچنان بسیار زیاد است، و پژوهنده‌ای که در پی تحقیق گرایشها و انگاره‌های کلیتر است چاره‌ای جز انتخاب بعضی از نویسندگان به عنوان نماینده کل يك مکتب فکری ندارد. و این امر، لاجرم باب جدل را به روی منتقدانی که ممکن است نویسندگان یا نوشته‌های دیگری را مد نظر داشته باشند که نظر گاههای دیگر را می‌نمایاند، باز کند که بدین وسیله بخواهند بعضی از نتیجه‌گیریهای حاصله در این کتاب را رد کنند یا مورد چون و چرا قرار دهند. ولی چنین انتقادهائی، فرضاً هم اگر نامنصفانه باشد تا آنجا که بعضی از وجوه دیگر کوششهای فکری مسلمانان را در طلب آزادی و پیشرفت روشنتر کند، مطلوب است.

حمید عنایت